

میزان دلالت فقهی (منابع در آیات، روایات و سیره معصوم و عقل) برای اثبات وجوب دفاع از مسلمین دیگر کشورها

محمدباقر اسعدی^۱

^۱. سرپرست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی پرنده و روابط کریم

(نویسنده مسئول). mb.asadi63@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱

چکیده

از مباحث مهم در جوامع امروز مسلمانان مسأله مظلومینی هست که در دیگر کشورها می باشند، این که دفاع از آنان آیا از منظر فقه متضمن کدام یک از احکام خمس است در بین مسلمانان مورد بحث می باشد. این نوشتار جهاد دفاعی را در کشورهای دیگر از منظر آیات و روایات بررسی می نماید. در این نوشتار بررسی می شود که چه ادله ای در اثبات وجوب دفاع از مسلمین وجود دارد؟ و آیات و روایات چه مقدار می توانند وجوب دفاع از مسلمانان در دیگر کشورها را اثبات نمایند؟ هم چنین در خصوص وجوب دفاع در مناطق مسلمانان دیگر کشورها چه عواملی مدخلیت دارد؟ که با توجه به آیات، روایات و سیره معصومین، عقل و با نظر به ادله اصولی، وجوب دفاع ثابت می شود در این نوشتار به دلایلی از آیات و روایات پرداخته می شود. اثبات می شود که دفاع از مظلوم واجب می باشد گر چه در کشور دیگری باشد مخصوصاً اگر مسلمانی مورد ظلم و تهاجم قرار بگیرد که مشهور فقهای متقدم و متاخرین دفاع از همه مسلمانان مظلوم را واجب می دانند هم چنین بررسی می شود که در چه مواردی تکلیف دفاع بر داشته شده و دفاع ساقط می گردد، با توجه به عمومات آیات، روایات صحیح و ادله عقلی مواردی هم از مستثنیات وجوب دفاع در دیگر کشورها از مسلمانان می باشد اگر روایات را بررسی نماییم شاید مفهوم جهاد در دفاع هم خلاصه شود اما با دقت بیشتری بنگریم دفاع یک مفهوم مستقل دارد که به طور عام به آن امر شده است و عمومات دفاع، دفاع از هر مظلوم را واجب شمرده است و دفاع از مسلمانان یک دفاعی می باشد که در روایات به آن تصریح نموده است اما این که دفاع مختص به مسلمانان کشور خودمان باشد دلیلی بر آن نداریم یعنی به طور خاص چیزی تصریح نشده است. در آیات قرآن و روایات معصومین امت اسلام را یکی می داند. و دفاع از همه امت اسلام را از وظایف آحاد مسلمانان می شمارد.

کلیدواژه: دفاع- مسلمانان- مظلوم- جهاد

مقدمه

از مسائل مهم جهان اسلام بحث دفاع از اسلام و مسلمین است. دلایل مؤثر در اثبات وجوب دفاع از اهم مباحثی است که در فقه بررسی می شود. در دفاع آیا دفاع از همه مرزهای اعتقادی، جغرافیایی و چه مرزهای اقتصادی را شامل می شود؟ این وجوب شامل دفاع از جان و وطن شخصی مسلمان است یا در دفاع از جان و مرزهای همه مسلمانان مظلوم راعومیت دارد؟ و در چه مواردی دفاع ساقط می شود و وجوب برداشته شده است؟ بررسی دقیق در آیات و روایات و کلام فقها و تتبع در سیره معصوم و توجه به اصول این مسأله را اثبات می نماید. این نوشتار در صدد بیان عواملی است که تأثیر در وجوب این تکلیف خداوند را در دفاع از همه مسلمین دارد.

جهاد در لغت به معنای تعب است (جهاد الرجل فی کذا ای جدفیه وبالغ) (جوهری، الصحاح ج ۲ ص ۴۶۰)، منتهای کوشش و مشقّه (ابن منظور لسان العرب ج ۲ ص ۳۸۰) و طاقه می باشد (طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ص ۶۳۲ به نشر ۱۳۷۵. تهران، مکتبه المرتضوی "جبران مسعود، الرائد جلد ۱ ص ۶۳۲ مشهد. ۱۳۸۰، سید مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق شیری، دار الفکر ص: ۳۷)

در اصطلاح شرع به معنای بذل نفس و مال و توان در اعلاء کلمه اسلام و توسع و توان در اقامه شعائر ایمان که بالاترین درجه را دارا است می باشد و معنایی اعم دارد که جهاد با مشرکین و باغین را شامل شود زیرا از دین عمومیت دارد این مطلب را شهید در مسالک بیان کرده است. (الشهید الثانی زین الدین بن علی العاملی،) جهاد گاه واجب عینی و در بعضی شرایط کفایی می باشد. معنای وجوب کفایی به این بیان است که خطاب به همه مسلمین متوجه است. ولی اگر عده ای تکلیف را انجام دهند از بقیه ساقط است. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۳ ص ۸) جهاد یا ابتدایی است که با کفار می باشد هم چنین دفاع مسلمانان از مال و جان و دفاع از انسان هایی که مال و جان آنان محترم باشد را هم شامل می شود. جهاد در صورت حضور معصوم فقط به دستور او و در زمان غیبت به امر ولی فقیه و مجتهد جامع الشرائط است که در این زمان بحث اجتهادی و مورد اختلاف فقها در مورد جهاد ابتدایی است که در جهاد ابتدایی بررسی می شود. در این نوشتار دلایل وجوب را که شامل آیات قرآن و روایات صحیح و سیره معصومین باشد بررسی می نماییم. آرای فقها در اقسام جهاد و زمان وجوب آن و نقش شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی از مصادر مهم این مدخل است که فضایل جهاد شامل همه اقسام جهاد است. و از همه مهم تر شمول این ادله در جهاد دفاعی در گستره بدون مرز و دفاع از مظلومان کشور های مختلف و در خصوص مسلمانان را بررسی می کنیم.

دوم: پیشینه

برخی نوشته ها و مقالات به صورت غیر متمرکز و پراکنده به اصل دفاع پرداخته اند و معمولاً فقها در کتاب جهاد در این موضوع بحث می کنند. لکن تاکنون به صورت مستقل و متمرکز و با این رویکرد نوشته جامعی در دست نیست.

شیخ طوسی در نهاییه جهاد رافقط در زمان معصوم جایز می داند ولی دفاع را عمومیت داده است، وی بحث دفاع را در کتب خود مطرح نموده است. (شیخ طوسی، نهاییه جهاد ص ۵)

شیخ در نهاییه به دومصدق از جهاد اشاره می کند و می فرماید: اگر جامعه اسلامی و سرزمین های اسلامی مورد تهدید واقع شود که بیم نابودی برود (نهاییه ص ۵۴) بعد از شیخ تا زمان محقق حلی فقها فقط بعضی از فروع از دفاع را شرح داده اند، مثلاً ابن براج دفاع از ناموس را در حدزنا اشاره می کند (ابن براج، قاضی، کتاب الحدود ص ۵۴) و معمولاً در بحث حدود بای رادر دفاع باز نموده اند.

ابن ادریس دفاع از مسلمین را واجب دانسته است (السراثر ج ۹ ص ۱۸۶)

محقق حلی در کتاب الحدود در شرایع به مناسبت به بحث دفاع پرداخته است (شرایع الاسلام ج ۴ ص ۱۶۷ بیروت)

علامه حلی در قواعد دفاع در هنگام تجاوز دشمن را لازم می شمارد (قواعد الاحکام ص ۷۸)

شهیدانی در لمعه و جوب جهاد رابا این شرایط واجب می داند

جهاد واجب است به شرط حضور و امر امام معصوم یا نائب خاص امام که منصوب برای جهاد باشد یا نائب خاص که نیابت عام از امام برای همه امور داشته باشد ولی دفاع از مسلمین و اسلام در زمان ترس از مشرکین و ترس بر نفس از دشمن دفاع واجب است و نیاز به اذن امام معصوم نیست (الروضه البهیه کتاب الجهاد، ج ۱ ص ۳۱۴)

جهاد ابتدایی بر همه واجب است مگر کسانی که تکلیف نداشته باشند یا توان آنان در حد جهاد نباشد این مطلب خلاقی در آن نیست زیرا حدیث رفع القلم افراد ناتوان را استثنا نموده و تکلیف را از آنان ساقط کرده است. قرآن کریم هم به آن اشاره می نماید و می فرماید: (لَيْسَ عَلَى الضَّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ) {توبه ۹۲} یعنی کسانی که ضعیف هستند یا مریض و ناتوان می باشند و خرج و مخارج خود را ندارند جهاد واجب نیست.

شهید در مسالک در بحث جهاد دفع ضرر از مسلمانان و اغاثه مستغیثین را از واجبات کفایی می شمارد. (شهید ثانی، مسالک ج ۳ ص ۹)

آیت الله سید علی طباطبایی در ریاض می نویسد: گاهی جهاد اطلاق می شود در صورتی که ترسیده شود که مشرکین تسلط بر شهر های مسلمانان پیدا کنند (ریاض المسائل، آل البيت ۱۴۰۴ ص ۴۷۸)

از فقه های معاصر نیز امام خمینی دفاع از امت اسلامی و دفاع از سرزمین های اسلام را مطرح کرده است و دفاع را در تهاجم نظامی، اقتصادی و فرهنگی عمومیت داده است (استفتائات امام خمینی، ج ۳ ص ۴۳) و به تبع ایشان آیات عظام مثل آیت الله مکارم نیز دفاع را در عموم دفاع از مسلمین و سرزمین های اسلامی گسترش داده است و در رساله بانی را در دفاع مطرح نموده است (توضیح المسائل مراجع، ج ۲ ص ۹۹۸) پژوهش درباره موضوع «دفاع» در دیگر مناطق سابقه چندانی ندارد و نوشته حاضر از جمله گام های نخستین در این راه نه چندان هموار است. با توجه به تبلیغات منفی که در جهان راه انداخته اند، آیا به راستی اسلام و مسلمانان حامی و مروج ترور و تروریسم و خشونت در جهان هستند؟ این پژوهش تلاش کرده است خارج از هیاهوی ایجاد شده و به صورت کاملاً بی طرفانه، دیدگاه فقه درباره دو موضوع حیاتی جهان امروز «دفاع مشروع» و تمایز دفاع مشروع از تجاوز و ترور را برای حق طلبان جهان بنمایاند.

آیت الله فاضل بر این باور است که موضوع اصلی در آیه (من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض) عنوان «افساد» است نه محارب و در حقیقت محاربه از مصادیق افساد است، به این معنی که محارب از حیث این که مفسد فی الارض است موضوع حکم قرار گرفته است. شاهد این مدعی آن است که خدای تعالی در آیه شریفه: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِن كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» (مائده) قتل مشروع را به دو مورد منحصر کرده: یکی قصاص و دیگری مجازات افساد فی الارض و این نشان می دهد که محاربه مصداق افساد است (لنکرانی، جامع المسائل، انتشارات امیر قلم، بحث امر به معروف و جهاد ص ۲۵۹)

فقیهان از کلمه «دفاع» همان معنای لغوی و عرفی را اراده کرده لذا در کتاب های فقهی به طور مستقل به تعریف دفاع نپرداخته اند. از مجموع نظرات فقیهان استفاده می شود که دفاع مشروع از دیدگاه فقیهان عبارت است از: حقی که شرع به فرد یا گروه یا حکومتی که جان و مال و نوامیس و سرزمینشان مورد تجاوز ظالمانه فرد یا گروه یا حکومتی قرار گرفته، داده است که در هنگام ضرورت بتوانند با استفاده از وسایل متناسب تجاوز را دفع نمایند. در کتاب های حقوقی نیز مشابه همین تعریف از دفاع ارائه شده است،

در این جا لازم است اشاره کنم به کتب و مقالاتی که در این موضوع نوشته شده است ولی با این رویکرد در دفاع از مناطق دیگر نوشته جامعی ندیدم.

از جمله مقالات و کتبی که به طور کلی اشاره ای به این موضوع کرده اند و به نسبت از بقیه بیشتر بحث نموده اند به این شرح است:

- شهید ثانی، مسالک الافهام، کتاب الجهاد که شرح کتاب الجهاد شرایع الاسلام است

- کتاب الجهاد، شرح کتاب شرایع نوشته آیت الله سید محسن خرازی

- جمعی از پژوهشگران فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع

- جمعی از محققان، جهاد در آینه قرآن

سوم: سؤال

سؤال اصلی: عوامل و دلایل مؤثر در وجوب دفاع از مسلمانان چیست؟

سؤالات فرعی

۱- چه دلایلی در اثبات وجوب دفاع از مسلمانان دیگر کشورها مؤثر می باشد؟

۲- نقش آیات و روایات در اثبات وجوب دفاع از دیگر مسلمانان چه می باشد؟

۳- شرایط کشورها چه مقدار نقش در اثبات وجوب دفاع از دیگر کشورها دارد؟

چهارم: تبیین

-دلائل زیادی می تواند در وجوب دفاع از مسلمان دخیل باشد از جمله آیات، روایات، عقل، سیره متشرعه و حکم حاکم شرع می باشد

-دلائل اثبات وجوب دفاع از مسلمانان از جمله آیات، روایات معتبره، عقل، سیره معصومین و اجماع فقها شامل تمام مسلمانان می شود

پنجم: اهمیت و ضرورت تحقیق :

نیاز به فهم معنای دفاع، عمومیت و محدوده گستردگی دفاع و رفع شبهات آن برای احاد جامعه لازم می باشد که به علت به روز بودن مسئله دفاع از مظلومان تحقیق علمی در آیات و روایات لازم می باشد و قوت قلبی برای رزمندگان مدافع اسلام و مسلمین است.

ششم: هدف و انگیزه تحقیق

با توجه به اختلاف بحث دفاع در دیگر مناطق اسلامی و به روز بودن موضوع، هدف از اجرای این پژوهش بررسی شرعی دفاع در دیگر مناطق و حکم آن برای شیعه است.

بررسی آیات

خداوند متعال در آیات قرآن به وجوب جهاد و دفاع امر نموده است در آیات مختلف نسبت به دفاع و جهاد امر می کند و بعضی احکام و مسائل و مستثنیات آن را بیان می نماید برخی آیات عام است و حتی آیاتی که در مورد قصاص است در مورد تلافی کشتار دشمنان صادق می باشد بعضی آیات جهاد ابتدایی و دفاعی را شامل می شود

۱- در آیه ۱۹۰ سوره بقره می فرماید: **وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ**. در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخاستند جهاد کنید. عموم آیه دلالت بر اتحاد امت اسلام دارد. فعل یقاتلونکم خطاب به همه مسلمین است و قاتلوهم امر در دفاع در مقابل تجاوز به عموم مسلمین است.

۲- و در آیه ۱۹۱ می فرماید: **(وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)** و آنان را که از هیچ شرک، کفر و ستمی باز نمی ایستند هر کجا یافتید به قتل رسانیداز جایی که شما مسلمانان را رانندند آنان را بیرون کنید و فتنه ای که شرک و بیرون کردن مردم از خانه هایشان باشد از کشتار آنان می باشد (قرآن کریم آیات ۱۹۱-۱۹۳-۱۷۸-۱۹۰-۱۹۴-۲۱۶ و ۲۱۷ سوره بقره و آیات ۱۶۹-۱۶۷ و ۱۹۵ سوره آل عمران طباطبایی، تفسیر المیزان ذیل آیات) حتی اگر در مسجد الحرام که جنگ حرمت دارد خوستند شما را بکشند شما هم آنان را بکشید

۳- در آیه ۱۹۳ می فرماید: **(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ ابْتَهَمُوا فَلَا عَدْوَ عَلَيْنَا فِيمَا لَمْ يَمِينْ)** یعنی آن قدر جهاد کنید که دیگر خطر فتنه و فساد از ناحیه دشمنان متوجه شما نباشد

۴- و در آیه ۱۹۴ می فرماید: **(الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ)** یعنی حتی اگر در ماه حرام هم به شما تجاوز شد و حمله کردند شما مجاز به دفاع به مثل هستید آن چه از مجموع آیات به دست می آید دفاع مربوط به همه مسلمین در مقابل مشرکین که به مسلمانان حمله شده می باشد و زمانی که مسلمانی مورد حمله قرار گرفت خطاب قرآن برای دفاع نسبت به همه مسلمانان می باشد که دفاع واجب است مرز و حدی قائل نشده است

۵- در آیه ۱۶۷ آل عمران حال کسانی که جهاد یا دفاع نمی کنند را منافق صفت توصیف کرده است و می فرماید: **(وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ تَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ)**

۶- و بعضی آیات به طور خاص به جهاد دفاعی می پردازد به عنوان نمونه در سوره نساء آیه ۷۵ می فرماید: **(وَمَا لَكُمْ لَأْتِيَاقُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلِيَانَا لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)** (قرآن کریم سوره نساء آیات ۷۴ تا ۷۶-) این آیه با صراحت می فرماید چرا در راه خدا نمی جنگید و جهاد نمی کنید در صورتی که عده ای از زنان و مردان در مکه اسیر ظلم می باشند و تضعیف و مورد ستم واقع شده اند دفاع از آن کسانی که دائم می گویند خدای ما ما را از این شهری که اهلش ظالم هستند نجات بده، و از جانب خود برای ما نگهدار و یاوری بفرست. و در ادامه می فرماید اهل ایمان در راه خدا جهاد می کنند و قبل از این آیه هم می فرماید: باید در راه خدا جهاد نماید این آیات عموم در دفاع از مسلمانان مظلوم دارد و اختصاص به زمان خاصی ندارد و تکلیف عمومی برعهده همه مسلمانان در دفاع از مسلمانان دیگر گذاشته است. سید عبدالحسین طیب در تفسیر اطیب البیان می نویسد: از آیه استفاده می شود بر مسلمانان واجب است اگر دیدند مسلمانی گرفتار ظالمی شده است به قدر قوه خود اقدام کنند و رفع شر او بنمایند (اطیب البیان تفسیر آیه ۷۵ سوره نساء)

جهاد واجب کفایی است که در صورت قدرت و احتیاج به جهاد واجب است در تفسیر نمونه نویسنده لحن آیه را تهدید برای کسانی که از مظلوم دفاع نمی کنند و سهل انگاری می نمایند شمرده است. (تفسیر نمونه ذیل آیه)

۷- در سوره انبیاء آیه ۹۲ همه مسلمانان را امت واحد می شمارد و می فرماید (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) یعنی مسلمانان یک امت هستند

۸- در آیه ۳۹ حج می فرماید: (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ) به آن ها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است چون مورد ستم واقع شده اند و خداوند قادر بر نصرت آنان می باشد در تفسیر علامه طباطبایی می فرماید: مسلمانان که در مکه بودند مشرکین آزارشان می دادند و کتک می زدند با سرهای شکسته خدمت پیامبر (ص) آمدند و شکایت داشتند و اذن جهاد طلبیدند پیامبر فرمود: صبر کنید هنوز دستتر جهاد صادر نشده است وقتی مسلمانان به مدینه آمدند و هجرت شروع شد این نخستین آیه ای است که در جهاد نازل شد در این آیه فلسفه جهاد را ذکر می کند و در آیه قبل وعده دفاع از مسلمین را می دهد جهاد در برابر ظالم را توضیح می دهد و دفاع از نام خدا در برابر طاغوت را تجویز می نماید. (المیزان، تفسیر آیه ۳۸، ۳۹ و ۴۰ حج، تفسیر نمونه)

۹- و در سوره حج آیه ۴۰ می فرماید: (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ) یعنی همان افرادی که به ناحق از خانه خود اخراج شدند جز این که می گفتند پروردگار ما الله است و اگر خداوند بعضی از آنان را به وسیله بعضی دفع نکند دیرها و صومعه ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خداوند بسیار برده می شود ویران می گردد و خداوند کسانی را که او را یاری می کنند و از آیینش دفاع می نمایند یاری می کند... که در تفسیر آن در تفسیر نمونه ذیل آیه این روایت را آورده است: (کونوا لظالم خصما وللمظلوم عوناً..) که در وسائل الشیعه ذکر شده است و می فرماید: دشمن ظالم باش و کمک کار مظلوم باش. (تفسیر نمونه ذیل آیه)

۱۰- در سوره انفال می فرماید (وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ) اگر گروهی از مومنان مهاجر به خاطر حفظ دین از شما یاری طلبیدند بر شما لازم است به یاری آنان بشتابید. در آیه الزام نموده است (انفال ۷۲)

۱۱- در سوره شوری آیه ۳۹ می فرماید: (وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ آلٌ بَغْيٌ عَسَفَ عَلَيْهِمْ وَيَنْتَصِرُونَ) و کسانی که هنگامی ستم به آنان رسد یاری می طلبند در مدح کسانی است که ایمان آورده اند و در ادامه آیه ۴۱ می فرماید (وَلَمَنْ آتَتْصَرَّ بَعْدَ ظَلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ) و در آیه یاری گرفتن در مورد مظلوم برای انتقام را بدون اشکال می شمارد و هر کس بعد از ظلمی که به او شده یاری طلبد هیچ گناهی بر او نیست.

اگر روایات را بررسی نماییم شاید مفهوم جهاد در دفاع هم خلاصه شود اما با دقت بیشتری بنگریم دفاع یک مفهوم مستقل دارد که به طور عام به آن امر شده است و عمومات دفاع، دفاع از هر مظلوم را واجب شمرده است و دفاع از مسلمانان یک دفاعی می باشد که در روایات به آن تصریح نموده است اما این که دفاع مختص به مسلمانان کشور خودمان باشد دلیلی بر آن نداریم یعنی به طور خاص چیزی تصریح نشده است.

این طور آمده است هم چنین در صورت وجود باغین و کسانی که شورش کرده و امنیت مسلمانان را برهم زده اند و یا برای امر به معروف و نهی از منکر در بعضی روایات و جوب جهاد اشاره شده که به آنها می پردازیم. امام سجاده (علیه السلام) در صحیفه سجاده در دعا فرمایند: ^۱ خداوند! مرا ببخش از این که به مظلومی نزد من ظلم شود اگر من او را یاری نکنم در واقع دفاع از مظلوم را به ما تعلیم می دهد که از فرائض می باشد و دعای تعلیمی است. (امام سجاده علیه السلام . صحیفه سجاده، دعای اعتذار) حتی زمانی که باید به سبب زبان از مظلوم دفاع کرد اگر دفاع نشود این یک ظلم است همان طور که امر به معروف واجب است نهی از منکر واجب می باشد دفاع از مظلوم هم از امر به معروف و هم نهی از منکر محسوب می شود و هم تعاون بر نیکی و هم

^۱ اللهم انی اعترت الیک من مظلوم ظلم بحضرتی فلم انصره

کاری نکردن در جهت گناه از جمله اوامر الاهی می باشد که در دفاع از مظلوم صدق می کند همان طور که در روایات هم به آن اشاره شده و تصریح می نماید (من لا یحضره الفقیه / ج ۴ / ۲۰۶ / باب الرجل یوصی بمال فی سبیل الله ص : ۲۰۶)

عمومیت وجوب جهاد اهل جور

آن چه در روایات از جمله در کتاب سلیم ابن قیس می فرماید: نزد امیر مومنان نشسته بودیم جماعتی از اصحاب هم بودند شخصی درباره هجرت پرسید و امام خطبه ای در جواب فرمود: ... شما را به جهاد بسیج کردم اما نرفتید شما را خواندم اجابت نکردید. شما کوچ نکردید (و به دعوت من پاسخ ندادید) شما زنده هایی مثل مرده هستید شما را بر دفاع در مقابل اهل جور دعوت کردم ولی قبل از تمام شدن کلامم متفرق شدید (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۲۸) آن چه در روایات صحیحه در دفاع از مظلوم بیان می کند عمومیت دارد و ضعیف و مظلوم را شامل می شود و حتی اختصاص به مسلمان هم ندارد دسته دوم روایات عمومیت آن در دفاع از مسلمانان است که پیامبر اسلام می فرماید: عونک الضعیف من افضل الصدقه (وسائل ج ۱۱ ص ۱۰۸ باب ۵۹ ح ۱) یعنی کمک به ضعیف از بالا ترین صدقات است (و می فرماید: آومی فرماید کسی که حق مظلوم را از ظالم بگیرد در بهشت با من است (محقق کراچی، محمد ابن علی، کنز الفوائد، دار الذخائر قم ۱۴۱۰- الکافی جاول ص ۱۳۵، دار الکتب ۱۴۰۷ ق) و سند این روایت به ابن ابی عمیر می رسد که نجاشی او را از بزرگان اصحاب می شمارد

دلایل وجوب دفاع از مظلوم در روایات

۱- رسول خداوند فرمود: خداوند می فرماید: سوگند به عزت و جلال من از ظالم در دنیا و آخرت انتقام می گیرم و نیز کسی که مظلومی را ببیند و قدرت یاری او را داشته باشد و یاریش نکند کیفر خواهم کرد.^۲

بررسی سند روایت: سند روایت از نظر مرحوم آیت الله خوئی مورد قبول است عبدالله بن سنان از چند طریق روایت را نقل کرده است که خود او کوفی و طبق آن چه نجاشی نقل کرده از اجلاء اصحاب بوده است و گرچه یکی از اسنادش ضعیف می باشد اما مورد وثوق فقها است (رجال نجاشی، ص ۳۹۵) ابراهیم بن عمر یمانی در سند حدیث است که از اصحاب ثقات می باشد همان طور که نجاشی هم تصریح نموده است. شیخ طوسی هم ذکر کرده است (رجال شیخ طوسی ص ۴۵۳)

بررسی دلالت روایت: روایت دلالت بر مشروعیت دفاع از مظلوم دارد

۲- وبا همین سند از امام باقر (ع) ابی مریم نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود: کسی در دفاع از مظلوم کشته شود شهید است پیامبر فرمود آیا می دانی مقصود چیست؟ عرض کرد فدای شما شوم مقصود از کلام شما دفاع از مال و خانواده و امثال این موارد است پیامبر مکرم اسلام فرمود جزئی از فقه شناخت فقه است (حر عاملی، محمد ابن حسن، ۱۱۰۴، بیروت، احیاء التراث العربی، ج ۱۱، ص ۹۱)

^۱ - فی کتاب سلیم ابن قیس هلالی: قال: کنا جلوسا حول امیر المومنین علی ابن ابی طالب و حوله جماعه من اصحابه فقال له قائل یا امیر المومنین: لو استغفرت الناس؟ فقام و خطب فقال امالی قد استغفرتکم فلم تنفرو و دعوتکم فلم تسمعوا فانتهم شهود کالغیاب و احیاء کاموات صم ذو اسماع... و احدتکم علی جهاد اهل الجور فما اتی علی آخر کلامی حتی اراکم متفرقین

^۲ من اخذ للمظلوم من الظالم کان معی فی الجنه

^۳ - قال رسول الله (ص) یقول الله عزوجل و عزتی و جلالی لا تنتقم من الظالم فی عاجله و آجله و لا تنتقم من رأی مظلوما فقد ان ینصره ولم ینصره

بررسی سند ودلالت روایت: سند روایت مثل سابق مورد اعتماد نجاشی است و از لحاظ دلالت هم تصریح در مشروع بودن دفاع دارد اما امثال دفاع از خانواده تصریح در دفاع از دیگر مسلمانان نیست اما در آیه قرآن همه مسلمانان را امت واحد می داند به مضمون شامل می شود

۳- یا آنکه در این روایه می فرماید: (محمد بن الحسن باسناده عن احمد بن محمد عن نوفلی عن السکونی عن جعفر عن ابیه عن ابائه قال: قال رسول الله (ص): مَنْ أَصْبَحَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.) در این روایت پیامبر اسلام (ص) می فرماید: اگر کسی صدای مظلومیت و کمک خواستن از مسلمانان را بشنود و به فریاد او نرسد مسلمان نیست نکته دقیق تر در این روایت این است نفر موده مسلمان از مسلمان کمک بخواید بلکه فردی چه مسلمان باشد یا نباشد از مسلمانان کمک بخواید اقتضای مسلمان بودن این است که به فریاد مظلوم برسیم

بررسی سند: سند روایت با توجه به کلام نجاشی در مورد روایات محمد ابن حسن و سکونی را مورد وثوق دانسته اند اسناد سکونی از محمد بن حسن را نجاشی توثیق می کند (رجال نجاشی ص ۳۹۵)

۴- در این روایت امیر المومنین (علیه السلام) رضایت خداوند را در باره کسی که از افرادی که گرفتار دزد یا حیوانات درنده شده بودند و به کمک آنان رفته بود را می رساند و معنای این رضایت و درستی خنده این است که خداوند متعال از این فعل و کمک این شخص راضی می باشد و او را دوست می دارد و این یک فعل معروف است (وسایل الشیعه کتاب الجهاد)^۱

بررسی سند: اصبح بن نباته از اجلائی می باشد و روایت مورد قبول اصحاب می باشد شخصیت بارزی است و از اصحاب بارز علی (ع) می باشد و شیخ طوسی او را توثیق کرده است (رجال طوسی ج ۱ ص ۹۳ باب الهمزه)

۵- در روایت سکونی از امام صادق (علیه السلام) منقول است که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله نقل فرموده: کمک کردن به ضعیف از بالاترین صدقات می باشد که ضعیف شامل همه کسانی می شود که نیاز به کمک مالی و دفاعی داشته باشند و نجات آنان از دست ظلم و تجاوز دشمن هم می شود که بالاترین صدقه است. در دفاع ابن مسکان از حلبی روایت کرده است که گفت: مردی از امام صادق علیه السلام در باره اعراب- یعنی عرب صحرائین- سؤال کرد که آیا جهاد بر ایشان واجب است؟ پس فرمود: جهادی بر آنان نیست، مگر وقتی که خطری متوجه آنان شود^۲ (من لایحضر / ج ۲ / ۳۸۹ / (باب فضیلت و ثواب روزه) ص: من لا یحضره الفقیه / ج ۱ / ۵۲۱ / باب صلاة العیدین ص: ۵۰۴)

بررسی سند: سکونی از یونس ابن عبد الرحمن که روایت نقل می مند مورد اعتماد است که شیخ طوسی آن را توثیق می کند (شیخ طوسی همان ش ۱۵۲۹)

۶- یا در این روایت این چنین دفاع از مظلوم را واجب می داند محمد بن حسن و علی بن محمد بن بنداره، از ابراهیم بن اسحاق، از عبدالله بن حماد انصاری، از سدید صیرفی روایت کرده اند که گفت: بر امام جعفر صادق علیه السلام داخل شدم و به آن حضرت عرض کردم: به خدا سوگند که تو را نمی رسد که بنشین و جهاد نکنی جهاد و دفاع در زمان حکومت طاغوت و جوب آن مطلق است مگر شرایط و قدرت نباشد همان طور که امام به آن تصریح می نماید: «این زمینی است شوره زار و نماز در آن جایز نیست»؛ پس رفتیم تا به زمین سرخی رسیدیم، و حضرت نظر افکند به سوی پسری که بزغاله ای چند می چرانید. فرمود: «ای سدید! به خدا سوگند که اگر مرا شیعیان به شماره این بزغاله ها بودند، مرا نمی رسید که بنشینم و جهاد نکنم». و فرود آمدیم و نماز کردیم، و چون از نماز فارغ شدیم، به جانب بزغاله ها میل کردم و آنها را شمردم. دیدم که آنها هفده بزغاله بودند. (أصول

^۲ عن الاصبغ ابن نباته قال: قال امیر المومنین علیه السلام: یضحک الله الی رجل فی کتیبه یرضی عن سبغ او لص فحماهم ان یحوزوا اقوال الضحک هنا مجاز ومعناه ان الله یرضی بفعل هذا الرجل ویحبه ویثبه علیه ویاتی فی فعل المعروف ما یدل علی ذالک عن السکونی عن ابی عبدالله ع قال: قال رسول الله ص عونک الضعیف من افضل الصدقه

کافی / ج ۱ / ۵۲۱ / ۳۴). حضرت فرمود: «پس تکلیف را از ایشان برداشته؛ زیرا که ایشان حیوانی را نمی‌یافتند» (که بر آن سوار شوند و وسعت نداشتند که آن را بخرند، یا پیاده به جهاد روند) تحفه الأولیاء / ج ۱ / ۵۵۱ / ۲ ص: ۵۴۹) و حضرت علیه السلام فرمود که: «سی هزار از صد هزار زیاده بودند (و آن که گفته که، یعنی گفتیم به یونس که: مخیری در رفتن به سوی گروهی که صد هزار نفرند، یا به سوی جمعی که از آن بیشترند، خلاف ظاهری را مرتکب شده. و این کلام، اشاره است به کثرت عدد ایشان در رأی العین)، و بر آن حضرت امامی گماشته بود که به او اقتدا می‌نمود. علی (علیه السلام) نهایت کوشش و سعی را در گرفتن حق خود نمود ولی بدستش نیامد و پیش آمدهائی شد که هیچ کس گمان نمی‌برد، سپس هم که بعد از سالها خانه‌نشینی خلافت باو رسید، و یاران و انصاری پیدا کرد، و در راه خدا در صفین بخوبی جهاد کرد و بر دشمن پیروز شد، فتنه و بلای حکمین پیش آمد که از عجائب امور است، سپس چون لشکری جمع کرد و می‌خواست بر آن‌ها از حق خود ومظلومین دفاع کند، بررسی سند: نجاشی بندار را از بزرگان قم می‌داند و مرحوم سید ابو القاسم خوئی او را از ثقات می‌داند در الذریعه هم مرحوم آقا بزرگ تهرانی توثیق نموده است (مرحوم خوئی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۰ ص ۲۲۳، و آقابزرگ طهرانی، الذریعه، دار الاضواء)

۷- زید زمانی که خشمگین شد و گفت: امام ما خاندان آن کس نیست که در خانه نشیند و پرده را بیندازد و از جهاد جلوگیری کند. امام از ما خاندان کسی است که از حوزه خود، دفاع کند و چنان که سزاوار است. و باید در راه خدا جهاد کند و نیز از رعیتش دفاع کند و دشمن را از حریم و پیرامونش براند (أصول الکافی / ج ۲ / ۱۷۱ / ۱۶ ص: ۱۷۰). امام باقر علیه السلام فرمود: ای برادر، تو آنچه را بخود نسبت دادی، حقیقه هم در خود می‌بینی بطوری که بتوانی برای آن دلیلی از کتاب خدا یا برهانی از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله بیاوری و یا نمونه و مانندی برای آن ذکر کنی؟ (یعنی تو که خود را برای جهاد و زمامداری مسلمین آماده کرده‌ئی چنین شایستگی را در خود سراغ داری؟) همانا خدای عز و جل حلال و حرامی وضع فرموده و چیزهائی را واجب ساخته و مثللهائی زده و سنتهائی را مقرر داشته و برای امامی که بامر او قیام میکند نسبت باطاعتی که برای او واجب ساخته، شبهه و تردیدی باقی نگذاشته تا امام بتواند امری را پیش از رسیدن وقتش انجام دهد یا در راه خدا پیش از فرارسیدن موقعش جهاد کند. در صورتی که خدای عز و جل در باره شکار می‌فرماید: «وقتی که محرم هستی شکار را نکشید- ۹۵ سوره ۵» آیا کشتن شکار مهمتر است یا کشتن انسانی که خدایش محترم شمرده، خدا برای هر چیز موعدی معین کرده، چنان چه میفرماید: «چون از احرام در آمدید شکار کنید ۳ سوره ۵-» و فرموده است «شعائر خدا و ماههای حرام را حلال نکنید- ۲ سوره ۵-» و ماهها را شماره معلومی قرار داد (دوازده ماه) و چهار ماه از آن را حرام ساخت و فرمود: «چهار ماه در زمین گردش کنید و بدانید که شما خدا را ناتوان نسازید- ۲ سوره ۹-». (أصول الکافی // ج ۲ / ۱۹۵ / شرح ص: ۱۹۵) جهاد دو قسم است جهاد با دشمن ظاهری و جهاد با دشمن باطنی که نفس می‌باشد هم چنین دفاع در مقابل ظالم از مظلوم را هم شامل می‌شود مظلوم کسی است که توان مقاومت و در مقابل دشمن ظاهری توان ندارد همان طور که حدیث امام رضا(ع) هم تصریح دارد: (الکافی ط) - (الإسلامیة) / ج ۲ / ۱۶۳ / باب البر بالوالدین ص: ۱۵۷)

۸- در روایتی حسن بن محبوب از بعضی اصحاب نقل می‌کند امام باقر (ع) نامه ای به بعضی خلفا نوشتند و در فضیلت جهاد و فلسفه آن مطالبی فرمودند که در آن نامه به از بین رفتن جهاد در عصر خلفا اشاره کرده و در باره جهاد فرمودند: الذی فضلہ الله علی الاعمال... لانه ظهر به الدین وبه یدفع عن الدین.. (وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۶ ح ۸) یعنی فضیلت جهاد بر همه اعمال است و این فضیلت به خاطر این است به وسیله جهاد است که دین ظاهر می‌شود واز دین دفاع می‌شود که این دفاع از دین از موارد دفاع واجب به شمار می‌رود و هر کجا دین مخفی بماند و یا در شرف نابودی باشد دفاع بر کسانی که بتوانند دفاع کنند واجب است و در روایتی که از امیرمؤمنین نقل شده در فضیلت جهاد که یک نصرت الاهی است و ترک آن موجب ذلت می‌باشد در نتیجه هر جا ترک جهاد ذلت اسلام ومسلمانان باشد دفاع از عزت اسلام ومسلمین واجب می‌شود (وسائل الشیعه جلد ۱۱ ابواب جهاد العدو ح ۱۳)

بررسی سند: در روایات حسن ابن محبوب خدشه ای نیست همان طور که کشی نقل فرموده است او را از اصحاب مورد اعتماد دانسته اند گرچه روایت مقطوعه است. محمدابن ابی عمیر که از اصحاب اجماع است این حدیث را نقل کرده است

۹- در روایتی وهب بن وهب از جعفر ابن محمد (ع) از پدر بزرگوارشان نقل می فرماید: (القتال قتالان قتال الفئه الکافره حتی یسلمو و قتال الفئه الباغیه حتی یفیئو) که در این حدیث قتال و جهاد با کسانی که بر علیه مسلمانان تجاوز کردند را واجب می داند و محدود به شهر خاصی نمی داند (همان باب اقسام جهاد حدیث ۵)

بررسی روایت: طبقات ابن سعد او را توثیق کرده است (ابن سعد، طبقات، وهب) مرحوم آیت الله خوئی هم احادیث وی را مورد وثوق می داند (مرحوم خوئی، معجم رجال الحدیث ج ۱۱ ص ۱۶۱)

۱۰- در روایت دیگری یونس بن عبد الرحمن نقل می کند از امام هادی (ع) سؤال شد در حالی که من هم حاضر بودم مردی سؤال کرد دشمنانی به ما حمله کرده اند چه کنیم امام فرمود: از اسلام دفاع کنید و فرمود جهاد نکنید مگر زمانی که از شهر های مسلمانان در خطر باشند و دفاع آن مسلمانان از خودشان یا اسلام باشد بررسی روایت در الطبقات احمد ابن محمد برقی وی را توثیق نموده است اما شیخ الطائفه اسناد محمد ابن عیسی از یونس را تضعیف نموده اند اما روایت شهید و کلینی و صدوق جابر ضعف آن است هم چنین در رجال نجاشی می فرماید: لا یعتمد علیه مرحوم خوئی می فرماید: گرچه مذمت هایی از یونس شده است اما نزد من موثق است مگر روایاتی که محمد ابن عیسی از یونس روایت نقل کرده است (معجم الرجال ج ۱۱ ص ۱۷۰)

۱۱- مثل این را هم روایت راضیه در دروس و شیخ صدوق و کلینی هم از امام رضا (ع) در باب جهاد نقل کرده اند^۱

۱۲- هم چنین در روایتی طلحه بن زید از امام صادق (ع) نقل کرده است: سؤال شد از امام در باره مردی که وارد زمین مسلمین شده بود امام فرمود: علی المسلم ان یمنع نفسه و یقاتل عن حکم الله و حکم رسوله و اما ان یقاتل الکفار علی حکم الجور فلا یحل له یعنی دفاع از خود و دفاع از اسلام و احکام الهی جایز است (وسائل الشیعه ج ۱۱ باب اقسام جهاد حدیث ۲) مرحوم سید خوئی می نویسد ظاهر صحت روایات طلحه و اعتماد بروی می باشد. (همان، ج ۶ ص ۱۰۴)

۱۳- در جای دیگر علی (ع) خطاب به مسلمین می فرماید: اگر کسانی بر علیه حکومت و امام عادل خروج کردند دفاع از امام عادل کنید که متن حدیث به این شرح است: (محمد بن حسن باسناده عن جعفر عن ابیه قال ذکرک الحروریه عند علی (ع) فقال ان خرجو علی امام عادل او جماعه فقاتلوهم)

۱۴- وهم چنین مرحوم شیخ صدوق از محمد بن حسن از ابراهیم بن هاشم همین روایت را نقل کرده است و او را از ثقات دانسته است (به نقل از معجم رجال الحدیث ابوالقاسم خوئی ج ۵ ص ۵۷) که مرحوم آیت الله خوئی می فرماید: جبران ضعف سند آن را می کند ولی مرحوم شیخ طوسی اشاره به عدم استنساخ کتاب دارد در مجموع ما این روایت را به اعتماد به شیخ صدوق و آقای خوئی آوردیم.

بررسی اسناد روایات

- عبدالله بن سنان از چند طریق روایت را نقل کرده است که خود او کوفی و طبق آن چه نجاشی نقل کرده از اجلائ اصحاب بوده است و گرچه یکی از اسنادش ضعیف می باشد اما مورد وثوق فقها است
- اما سکونی که اسماعیل ابن ابی زیاد است بیشترین روایات را نقل کرده است و شیخ طوسی در فهرست او را توثیق نموده است بعضی او را عامی مذهب می دانند که باز هم مورد وثوق دانسته اند (فهرست شیخ طوسی، رجال شیخ

عن محمد ابن عیسی عن یونس قال سأل ابا الحسن (ع) رجل... فان جاء العدو الی الموضوع الذی هو فیہ مرابط کیف یصنع؟ قال یقاتل عن بیضه الاسلام قال یجاهد قال: لا الا ان یخاف علی دار المسلمین.. وان خاف علی بیضه الاسلام والمسلمین قاتل فیکون قتاله لنفسه

طوسی) گرچه در رجال هیچ اشاره ای به شخصیت و جایگاه و وثوق سکونی ننموده است اما در العده ترجیح می دهد روایات وی را قبول قبول نماید. (شیخ طوسی، العده ص ۵۶) مرحوم خوئی هم روایات وی را صحیح می داند (معجم رجال الحدیث ج ۴ ص ۱۲۱)

- اما محمد ابن حسن صفار که روایات او را شیخ نجاشی مورد ضعف قرار داده است
- گرچه مورد قبول واقع شده است زیرا شیخ طوسی او را از اجلا و مورد وثوق دانسته است. (الطوسی رجال ج ۲)
- محمد بن بندار به دلیل نقل از ضعفا او را بعضی مثل برقی از ضعفا دانسته اند
- ابو علی اشعری که احمد ابن ادریس باشد از روایان موثق است که در صفات او گفته شده راستگو و امین می باشد
- محمد بن سالم شانزده هزار روایت از امام باقر و صادق (علیهم السلام) نقل کرده است که از خواص ائمه بوده است (تنقیح المقال ج ۳ ص ۳۳۹ فهرست ابن ندیم ص ۳۷۶)
- حسن بن محبوب از هشت تن از اصحاب اجماع حدیث نقل کرده است شیخ طوسی وی را از بزرگان اصحاب شمرده است (فهرست، طوسی. رجال الطوسی م ۴۶۰ ج ۱ و ۲ ص ۱۰۲)
- اعتماد اجلائی اصحاب به صفوان قابل خدشه نمی باشد که شیخ طوسی در الفهرست و کشی در الرجال روایات صفوان بن یحیی عبد الله ابن مسکان، یونس ابن عبد الرحمن علی ابن نعمان الاعلم عاصم ابن حمید عبدالله ابن مغیره حمید ابن مثنی و یونس ابن عبد الرحمن را مورد وثوق دانسته است همان طور که مرحوم آیت الله خوئی اشکال سندی در روایات این اجلاء بیان نکرده است.

دفاع در مقابل اهل بغی

۱۵- صفوان در روایتی نقل می کند: عن عبد الرحمن بن حجاج قال سمعت ابا عبد الله (ع) يقول كان في قتال علي (ع) اهل قبله برکه ولو لم يقاتلهم علي (ع) لم يدر احد بعده كيف يسير فيهم (وسائل الشيعه ج ۱۱ باب حکم قتال بغاه ج ۱، ۳، ۴) که می گوید امام صادق (ع) می فرمود: در کشتار علی (ع) با اهل قبله که سر کشی کردند (و جامعه اسلامی را به آشوب کشیدند و علیه امام معصوم عادل قیام کردند) برکتی بود که بعد ها حجت باشد و کسی سر در گم نشود و این سیره ای است و عمومیت دارد بر هر مسلمانی توان داشته باشد دفاع کند حجت است

سند روایت: صفوان از بزرگانی بوده است که جای بحث نیست و رجال حدیثی او را توثیق خاص نموده، یحیی عبد الله ابن مسکان، یونس ابن عبد الرحمن علی ابن نعمان الاعلم عاصم ابن حمید عبدالله ابن مغیره حمید ابن مثنی و یونس ابن عبد الرحمن را مورد وثوق دانسته است

۱۶- شیخ طوسی در مجالس از پدر شان از شیخ مفید روایتی نقل کرده است از محمد بن عمر بن علی از پدرش که از پیامبر (ص) شنید که فرمود: ای علی بر مومنین جهاد در فتنه ها بعد از من نوشته شده است همان طور که جهاد با مشرکین واجب شده است گفتم یا رسول الله آن فتنه چیست؟ فرمود: فتنه قومی که شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت من می دهند و مخالف سنت من هستند و از اطاعت من خارج می شوند و خون و جان عترت من را حلال می شمارند (همان، حدیث ۶) این حدیث به طور عام دفاع از مسلمانان در مقابل این فرقه را واجب شمرده است که از لحاظ عقل و آیات و روایات توان هم شرط می باشد

۱۷- در روایت دیگری امام رضا (ع) حدیثی دارند که از فضل ابن شاذان نقل شده و در عیون اخبار الرضا هم آمده است امام می فرماید: (فلا يحل قتل احد من النصاب والكفار في دار التقية الا قاتل اوساء في فساد و ذالك اذا لم تخف علي نفسك و علي اصحابك) که در این حدیث قتل نواصب و کفار را در دیار اهل سنت جایز نمی داند مگر توانی باشد که به سبب قاتل بودن آنان

و یا به فساد رفتن آنان جائز است و این جنگ دفاعی به شرط این است ترس بر جان خود و شیعیان و اطرافیان نباشد (همان.. حدیث ۹) اما سند روایت همان طور که نجاشی و شیخ طوسی فرموده اند معتبر می باشد (محمدابن حسن طوسی، رجال، ص ۳۹۵، نجاشی، ص ۳۰۷)

عدم منع تقاضا از مشرک در دفاع از مسلمان و سرزمین مسلمانان:

۱۸- محمد بن یعقوب به اسناد خود از بعضی از اصحاب امام صادق (ع) از حضرت نقل می کند: در مورد دشمنانی که از مسلمانان فرزندان یا سرزمین هایی را تصاحب کرده اند عده ای دیگر از مسلمانان آن غنائم را از مشرکان می گیرند تکلیف در مورد فرزندان مسلمانان و ممالک آنان چیست؟ (از امام سؤال می کنند) امام نهی از این دفاع که نمی کند بلکه تکلیف را مشخص می نماید و می فرماید: اما اولاد مسلمانان به پدران آنان باز می گردند و یا به بستگان آنان باز گردانده می شوند و قیمت زمین هم به صاحبان آنان بر گردانده می شود (وسائل کتاب الجهاد حکم مایاً خذہ المشرکین ص ۷۴).. روایاتی هم که دفاع از مظلوم را یک دفاعی می داند که اگر در آن راه کشته شویم شهادت می باشد. به طور یقین در صورت توان اگر کسی از مظلومی دفاع کند عین جهاد دفاعی مشروع می باشد رسول خدا (ص) فرمود: کسی که در دفاع از مظلوم کشته شود شهید است (وسائل کتاب الجهاد ص ۹۳ ح ۸ قال رسول الله: من قتل دون مظلومه فهو شهید) این دفاع عمومیت دارد و مظلوم شامل همه مظلومین دنیا می شود، این مظلوم فرقی ندارد در کدام کشور و منطقه باشد دفاع از او واجب است زیرا امر به دفاع شده است بالاخص در جایی که مسلمانی مورد ظلم و ستم و تجاوز واقع شده باشد عمومات امر به دفاع آنجا را به طور قطع شامل می شود.

نتیجه گیری

باتوجه به آیات و روایات و اجماع فقها آن چه به دست می آید دفاع از مسلمانان در هر کجا که مورد ظلم واقع شوند واجب می باشد حال در کشور خودمان باشد یا در جایی دیگر، که عقل و سیره متشرعه و سیره معصوم هم مؤید این مطلب است مگر در مواردی که توان نباشد یا از باب تراحم باشد. و یا با واجب اهم که نفس محترمه دیگری از خود آن مسلمان مدافع، در خطر باشد و خوب رفع شود. زیرا از این جهت که (الاقرب یمنع الابعد) دفاع از خود مسلمان یا نزدیکان وی که در معرض نابودی باشند و خوب دفاع در دیگر مناطق ساقط است. و این یک موضوع عقلی است.

در جهاد دفاعی شرطی ندارد اما در دفاع و جهاد دفاعی در دیگر کشورها از این جهت که توان نباشد این موارد از مستثنیات جهاد است و شرط توان وجود دارد. این در ابتدا بحث عقلی می باشد. و با دقت در روایات صحیح که بررسی شد دفاع از مظلوم واجب شمرده شده است زیرا امر به دفاع نموده است و امر در روایات دال بر وجوب دارد زیرا ظهور امر به تصریح روایات دیگر روشن می شود. و در روایت صحیح که ذکر شد کسی را که صدای مظلومی را بشنود و دفاع از او نکند مسلمان نمی داند در نتیجه دفاع واجب شد و این بحث اجماعی می باشد

بلکه با عموم امر به دفاع از اسلام و مسلمین و اطلاق، همه مسلمین دنیا باید در برابر هجوم سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اجانب به کشور های اسلامی یا مقدسات مسلمانان مدافع یکدیگر باشند خواه از طریق بذل مال باشد یا جان یا هر وسیله دیگر و در این امر نیاز به اذن حاکم شرع نیست همان طور که خیلی از فقها می فرمایند: هر گاه مسلمانان از این بیم داشته باشند که اجانب نقشه استیلا بر ممالک اسلامی را کشیده و بدون واسطه یا با واسطه عمال خود از داخل یا خارج آن را عملی کنند بر همه مکلفین واجب است به هر وسیله که امکان دارد در مقابل دشمن متهاجم ایستادگی و مقاومت نمایند و از ممالک اسلامی دفاع کنند بنا بر نظر فقها: اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری بیگانگان خوف آن باشد که بر ممالک اسلامی تسلط پیدا کنند بر همه واجب است از نفوذ آن ها جلوگیری نموده ایادی آن ها را قطع کنند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، تحقیق، بیروت، بی نا، ۱۳۸۷ق

الف- کتب

- ۱- آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ق ۱۳۹۰
- ۲- احمدی میانجی، علی، منابع فقه؛، نشر دادگستر، تهران - ایران، اول، ۱۴۲۴ هق
- ۳- امینی، الغدیر، نشر معارف، قم، ۱۳۸۶،
- ۴- ابن هشام، ابو محمد، عبد الملک، ابن هشام، السیره النبویه، فی السیره، بیروت بی تا
- ۵- ابن اثیر، عز الدین، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ق، ۱۹۳۰م
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر دمشقی، تفسیر القرآن الکریم، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق
- ۷- ابن اسحاق، محمد، السیر والمغازی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق
- ۸- ابن واضح، احمد ابن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ق
- ۹- ابن قتیبہ دینوری، الامامه والسیاسه، قم، منشورات الرضی،
- ۱۰- ابن مزاحم، وقعه صفین،، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ق
- ۱۱- ابن سعد، طبقات الکبری، نشر دار العلمیه، بیروت، ۱۹۲۳
- ۱۲- ابن هشام، عبد الملک، السیره النبویه، قاهره، مطبعه المصطفی، ۱۳۵۵ق
- ۱۳- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، احیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۹۲۱
- ۱۴- بهجت، گیلانی، فومنی، محمد تقی، جامع المسائل (بهجت)، ۵ جلد، دفتر معظم له، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۶ هق جامع المسائل (بهجت) ۱۵
- ۱۵- بروجردی، جامع أحادیث الشیعۀ، قم، ۱۳۷۲،
- ۱۶- التستری، قاموس الرجال، تهران، مرکز نشر، ۱۳۸۹ق
- ۱۷- تبریزی، جعفری، محمد تقی، رسائل فقهی (علامه جعفری)، در یک جلد، مؤسسه منشورات کرامت، تهران ایران، اول، ۱۴۱۹ هق
- ۱۸- تبریزی، جواد بن علی، المسائل المنتخبه (للتبریزی)، در یک جلد، دار الصدیقه الشهیده سلام الله علیها، قم ایران، پنجم، ۱۴۲۷ هق
- ۱۹- الثقفی کوفی، ابراهیم ابن محمد، عطارد- الغارات، ترجمه عطاردی، بی جایی تا
- ۲۰- سیستانی، سید علی حسینی، المسائل المنتخبه (للسیستانی)، در یک جلد، دفتر حضرت آیه الله سیستانی، قم - ایران، نهم، ۱۴۲۲ هق

- ۲۱- جوهری، الصحاح، اسماعیل بن حماد ابونصر، تاج الغة وصحاح العربیه، دارالعلم للملایین، بیروت لبنان ۱۴۰۴
- ۲۲- جبران مسعود. الرائد. جلد اول. ص ۶۳۲. به نشر. ۱۳۸۰. مشهد
- ۲۳- حر العاملی. شیخ محمد ابن الحسن. وسائل الشیعة، احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، ۱۳۹۱
- ۲۴- حلبی، نور الدین علی ابن ابراهیم، سیره حلبی، ۱۰۴۴ ق، بیروت، حلبی، علامه، حسن ابن یوسف، تذکره الفقها، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۴
- ۲۵- خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی، أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، در یک جلد، دفتر معظم له در قم، قم ایران، اول، ۱۴۲۴ هـ ق
- ۲۶- خلخالی، سید محمد مهدی موسوی - مترجم، جعفر الهادی، حاکمیت در اسلام یا -۳۹- ولایت فقیه، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق
- ۲۷- خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، بیروت، ۱۳۸۰
- ۲۸- خراسانی، علی محمدی، شرح تبصرة المتعلمین (محمدی)، دو جلد، هـ ق - حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه؛ -خراسانی، محمود بن عبد السلام تربتی شهابی، ادوار فقه (شهابی)، ۳ جلد، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ایران، پنجم، ۱۴۱۷ هـ ق
- ۲۹- ری شهری، محمد - مترجم: محدثی، جواد، حج و عمره در قرآن و حدیث، در یک جلد، نشر مشعر، قم، ایران، اول، ۱۴۲۸ هـ ق
- ۳۰- زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، انتشارات امیر کبیر، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۲۱ هـ ق
- ۳۱------ موسوعه الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام؛
- ۳۲- زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، انتشارات امیر کبیر، تهران ایران، چهارم، ۱۴۲۱ هـ ق
- ۳۳- زبیدی، سید مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق شیرازی، تهران، دار الفکر، ۱۳۷۴
- ۳۴- سیوری، جمال الدین المقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، دو جلد، پاساژ قدس پلاک ۱۱۱، قم ایران، اول، هـ ق
- ۳۵- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش
- ۳۶- شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، دو جلد، نشر میزان، تهران - ایران، دوم، ۱۴۲۷ هـ ق
- ۳۷- شیخ مفید، الامالی، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق
- ۳۸- شیخ صدوق، ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، / نشر مسجد، ۱۳۹۱
- ۳۹- شیخ صدوق، ابو جعفر محمد ابن علی ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، ۱۹۸۲ ق،
- ۴۰- شیخ صدوق، محمد ابن علی ابن بابویه، الخصال، ترجمه کمره‌ای، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق
- ۵۰------ محمد ابن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ ق

- ۵۱- طوسی، شیخ، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق
- ۵۲- طبری، محمدابن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت، دارالقاموس الحدیث، بی تا
- ۵۳- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن - مترجم: خراسانی، محمد واعظ زاده، الجمل و العقود فی العبادات
- ۵۴- طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا
- ۵۵- طبری، ابن جریر، تاریخ طبری ۲-۱۷۱. ، بیروت ، بی تا،
- ۵۶- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ۲ جلد، نشر مرتضی، مشهد - ایران، اول، ۱۴۰۳ ه ق
- ۵۷- طبرسی، مجمع البیان، شرکه المعارف اسلامی، ۱۳۷۹ق
- ۵۸- طبرسی، امین الاسلام ، فضل ابن حسن، اعلام الوری، مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۷
- ۵۹- طباطبایی، آیت الله محقق سید علی، ریاض المسائل مؤسسه آل البيت قم ۱۴۰۴ ه ق
- ۶۰- طباطبایی، سید حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۱ق
- ۶۱- طباطبایی، سید حسین مدرسی - مترجم: محمد آصف فکرت، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، در یک جلد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد - ایران، اول، ۱۴۱۰ هق - تاریخ فقه و فقها؛
- ۶۲- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ص ۶۳۲. به نشر ۱۳۷۵. تهران ، مکتبه المرتضوی
- ۶۳- علی محمدی، شرح تبصره المتعلمین (محمدی)؛ ج. ، شرح تبصره المتعلمین (محمدی)، دو جلد، هق خراسانی،
- ۶۴- العاملی، محمد ابن جمال الدین مکی، الروضه البهیة فی شرح المعه دمشقیه، کتاب الجهاد ، قم. اسماعیلیان، ۱۳۸۶
- ۶۵- فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
- ۶۶- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳
- ۶۷- کلینی، أصول الکافی، ترجمه کمره‌ای، قم، ۱۳۸۱
- ۶۸- کرکی، علی ابن حسین عاملی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت، قم
- ۶۹- کلینی، ابو جعفر محمدابن یعقوب، أصول الکافی تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ق
- ۷۰- ----- الروضه من الکافی یا گلستان آل محمد / ترجمه کمره‌ای
- ۷۱- کلینی، کافی، چاپ آخوندی، قم ۱۳۸۷نی، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ق
- ۷۲- گرجی، ابو القاسم، تاریخ فقه و فقها، در یک جلد، مؤسسه سمت، تهران - ایران، سوم، ۱۴۲۱ هق
- ۷۳- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، جامع المسائل (فارسی - فاضل)، دو جلد، انتشارات امیر قلم، قم ، ایران، یازدهم، هق

- ۷۴- مکارم شیرازی، استفتائات، ناصر مکارم، دائرة المعارف فقه مقارن، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ هـ ق
- ۷۵- ناصر مکارم، دائرة المعارف فقه مقارن، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ هـ ق
- ۷۶- ناصر مکارم، رساله توضیح المسائل (مکارم)، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، پنجاه و دوم، ۱۴۲۹ هـ ق
- ۷۷- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ ق
- ۷۸- کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، رسائل فیض کاشانی، ۲۴ جلد، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران - ایران، اول، ۱۴۲۹ هـ ق نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر
- ۷۹- مفید، الإرشاد للمفید، تهران، دارالکتب، ۱۳۲۹
- ۸۰- محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، ۱۳۶۵
- ۸۱- میرزای قمی، گیلانی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات (للمیرزا القمی)، ۴ جلد، مؤسسه کیهان، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ
- ۸۲- محقق اردبیلی قدس ره، زبده البیان، تهران نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۹۳
- ۸۳- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، قم، ۱۳۵۱، آل البيت
- ۸۴- نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، تحفه رضویه، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ هـ ق
- ۸۵- نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق
- ۸۶- نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - القديمة)، در یک جلد، انتشارات مهدوی، اصفهان - ایران، اول، هـ ق
- ۸۷- نجاشی، رجال نجاشی، تحقیق محمد جواد النائینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق
- ۸۸- نراقی، مستندالشیعه فی احکام الشریعه، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۵ ق
- ۸۹- نجفی، محمد ابن حسن، جواهر الکلام، کتاب الجهاد، شیخ علی آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۲ هـ قمری
- ۹۰- واقدی، محمد ابن عمرو، واقداسلمی، المغازی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا
- ۹۱- واقدی، محمد ابن عمر، المغازی، تهران نشر دانشگاهی ۱۳۸۸
- ۹۲- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، الهادی - ایران، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق. فرهنگ ابجدی،

۹۳- هاشمی سید محمود، معجم فقه الجواهر، ۶ جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۷ هـ ق

۹۴- یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۰۶ هـ ق

ب- منابع دیجیتالی

۱- آثار مرحوم کلینی

۲- بحار الانوار

۳- جامع الاحادیث نرم افزار علوم اسلامی مرکز نور

۴- جامع فقه اهل بیت

۵- جامع التفاسیر

۶- مجموعه آثار استاد مطهری

۷- منهاج النور

مجله فقه و تاریخ تمدن، مقاله پژوهشی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، صفحه ۴۴-۶۱